وضعیت کار دختران قالی‌باف

دکتر فروزنده جعفرزاده پور*

شیرین افتخاری**

کودک جلوه آغازین تکامل بشری است که بارها و بارها مورد بحث و گفتگوی اندیشمندان و دلواپسان این مهم قرار گرفته است. این بار نیز بحث پیرامون کودک و مسائل مربوط به وی و تلاش در بازشناسی این موجود زیبای الهی است. وقتی از کار کودکان سخن به میان می‌آوریم، منظور اشتغالاتی است که کودکان به‌عنوان کارگر بدون مزد و یا کم مزد در آنها به‌کار گرفته می‌شوند. اثرات سوء آسیب های اجتماعی این گونه کارها بر کودک در آینده آنان غیر قابل اغماض است.

دراین مقاله پس از ارائه تعاریف قوانین کار کودکان در ایران و ذکر نمونه‌های بین‌المللی از بهره‌کشی از کودکان، به وضعیت کار کودکان در ایران با توجه به اطلاعات موجود پرداخته خواهد شد. سپس به یکی از کارهایی که در برخی از روستاها توسط کودکان انجام می‌شود، اشاره می‌شود و به اثرات زیانبار این گونه کارها -و دیگر مشاغلی که به نوعی بهره کشی محسوب می‌شود - بر ترک تحصیل و یا میزان سواد، جسم و روان کودکان اشاراتی خواهد شد؛ همچنین سود اقتصادی و درآمدی را که این مشاغل برای اقتصاد خانوار به ارمغان می آورد، بررسی و در خاتمه برای بهبود اشتغال کودکان پیشنهادهایی بیان می کنیم.

کلید واژه‌ها : کار کودکان، دختران قالی باف، آسیب های اجتماعی، کودک و نوجوانان

*دکتری جامعه شناسی روستایی و محقق.

**کارشناس مترجمی زبان، کارشناس دفتر امور زنان روستایی و وزارت جهاد کشاورزی.

مقدمه

کار کودکان و نوجوانان و به‌کارگیری نیروی فعاله آنان درجهت سازندگی، همواره مورد توجه کارفرمایان بوده است، زیرا دستمزد پرداختی به آنان کمتر از دستمزد یک کارگر معمولی است. بنابراین می‌توان گفت که کودکان و نوجوانان در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها در معرض استثمارند. اغلب کارفرمایان سودجو به کارگران خردسال خود فعالیتی مشابه با کارگران بزرگسال می‌دهند، درحالی‌که دستمزد کمتری به آنان می پردازند.

به کارگیری کودکان و نوجوانان پیش از رسیدن به سنین کامل رشد، تاثیرات نامطلوبی بر جسم و روان آنان می‌گذارد . این معضل دارای چهرهای گوناگونی است. در جوامع صنعتی در حال توسعه و توسعه یافته امروزی علی‌رغم پیشرفت‌های اقتصادی، در بسیاری از موارد ثمره توسعه به اکثریت قریب به اتفاق جامعه نرسیده و برعکس موجب افزایش فاصله طبقاتی گردیده است. برای مثال، در آسیا و اقیانوسیه عوامل اجتماعی - اقتصادی سبب بهره کشی اقتصادی از کودکان گردیده است. شرایطی نظیر: بیکاری، رشد سریع جمعیت و ... موجب گردیده که اکثر جمعیت این قاره ها در شرایط نزدیک به خط فقر، زندگی خود را بگذرانند. افزایش امکانات رفاهی و سعادتمندی در این مناطق موجب افزایش فاصله میان فقیر و غنی گردیده و باعث شده که چهره کریه فقر هر چه بیشتر خودنمایی کند.

عموما در چنین شرایطی زنان و دختران به دلیل موقعیت پایین تر در جامعه، محدودیت‌های بیشتری برای دسترسی به آموزش و اشتغال دارند. دختران در مناطق روستایی تقریبا از آغازین سال‌های زندگی خویش به عنوان عضو فعال خانواده محسوب می گردند. اکثریت قریب به اتفاق دختران بدون دریافت مزد، روزانه بین ۴ تا ۱۶ ساعت در خانه کار می کنند اما کسی برای کار آنان ارزش قائل نیست. وضع بد و نامناسب دخترانی که اجازه رفتن به مدرسه را ندارند و حقوق آنها برای ترقی و پیشرفت نادیده گرفته می شود، مشابه زندگی مادران آنهاست که اسیر شغل‌های بی‌بهره و با وضع بد و کم مزد شده اند. دختران و به‌ویژه دختران روستایی علاوه‌بر کارهای خانگی در فعالیت‌های اقتصادی سهیم هستند. نگرش‌های خاص فرهنگی نیز سبب کم ارزش

شمردن این‌گونه فعالیت‌ها و محاسبه نشدن آنها در آمار ملی گردیده است.

دراین مقاله، ابتدا به اختصار به قوانین کار کودک و نوجوان در سطح بین‌المللی اشاره می‌کنیم و به توضیح این قوانین در کشور می‌پردازیم و سپس نگاهی به وضعیت کار کودکان در جهان می‌اندازیم و این وضعیت را در سطح منطقه و ملی بررسی می نماییم. به منظور آشنایی هرچه بیشتر با شرایط ملی، به انواع کار کودک و نوجوان در کشور با تاکید بر قالی‌بافی دختران روستایی می‌پردازیم و عوامل موثر بر این فعالیت را بررسی می‌کنیم. در پایان نیز پیشنهادها و راهکارهای اجرایی بیان می‌شود.

۱) نگاهی به قالی‌بافی کودکان در جهان

ILO مطالعاتی درباره صنایع بافت فرش، قالیچه های کوچک، ساخت النگوهای شیشه‌ای و جادادن الماس، جواهر و سنگ‌های قیمتی انجام داده و دریافته است که شعار «دستهای چالاک» (ادعایی که اعلام می دارد فقط کودکان می‌توانند مشاغل خاصی را انجام دهند و یا حداقل مشاغل خاصی چون مشاغل فوق را بهتر از بزرگسالان انجام می‌دهند)، ادعای کذبی است، زیرا بهترین قالی‌ها را بزرگسالان می‌بافتند. در برخی از کشورهای آسیا(مانند هند و پاکستان) که به تولید و صادرات فرش می پردازند استفاده از نیروی کار کودکان رواج دارد. لذا برای تحریم و مبارزه با به‌کارگیری کودکان در این کشورها، در بازار جهانی، فرش‌های تولید این کشورها مشتری زیادی ندارد. برای مثال به ذکر شرایط کاری یکی از مناطق قالی‌بافی در هندوستان می‌پردازیم:

حدود ۱۳۰ هزار کودک در کارگاه‌های قالی‌بافی هندوستان کار می‌کنند. ۸۰درصد آنها در اوتارپرادش(U.P)، یکی از پرجمعیت ترین ایالات (بیش از ۱۴۰ میلیون نفر) و مرکز قالی‌بافی هند، زندگی می‌کنند. این کودکان ۲۲درصد از کل قالی بافان منطقه را تشکیل می دهند. کارگاه‌هایی که این کودکان در آن به‌کار گمارده می‌شوند، دارای شرایط بسیار سخت کاری هستند. فقط ۴۱درصد کارگاه‌ها از نور مصنوعی (لامپ) استفاده می‌کنند و در مابقی تنها نور موجود، نور خورشید است که از میان یک در باز به درون کارگاه‌ها می‌تابد. در کارگاه‌هایی که یک دار قالی

دارند (۵۶درصد کل کارگاه‌ها) تقریبا ۱۴درصد کل، بافندگان، کودک هستند و در کارگاه‌هایی که دارای ۵ دار قالی یا بیشتر باشند، این تعداد به ۳۳درصد می‌رسد.

سازمان جهانی کار دریافته که اگر بافندگان خردسال و بزرگسال تولیدات مشابهی به لحاظ کیفیت داشته باشند، استخدام کودکان بافنده مقرون به صرفه است، زیرا آنها دستمزد کمتری دریافت می‌کنند، بنابر این مبحث دست‌های چالاک، بهانه‌ای بیش نیست.

۲) کار کودکان و نوجوانان در ایران

۱ - ۲) قوانین کار برای کودکان و نوجوانان در ایران

در تدوین قوانین مدنی کشور، مقنن سعی در ممنوع کردن به کارگیری کودکان و نوجوانان نموده و از این راه به حفظ سلامت روانی و جسمی کودکان و نوجوانان همت گمارده است. ماده ۷۹ قانون کار مقرر می‌دارد: «به‌کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام، ممنوع است». لذا کارفرمایانی که افراد کمتر از ۱۵ سال را به کار گمارند، علاوه بر رفع خلاف (اخراج کارگر کمتر از ۱۵ سال)، به ازای هر کارگر مکلف به پرداخت جریمه نقدی خواهند شد. این قانون با در نظر گرفتن مکان و شرایط کاری، دو استثنا دارد:

الف) طبق ماده ۱۸۸ قانون کار، کارگران کارگاه‌های خانوادگی که انجام کار آنها تحت‌نظر صاحب کار، همسر و خویشاوندان نسبی درجه یک از طبقه اول وی انجام می‌شود، مشمول مقررات قانون کار نبوده و در نتیجه حداقل سن کار در مورد چنین کارگرانی رعایت نمی‌شود.

ب) ماده ۸۴ قانون کار پیش بینی کرده است که در مشاغل و کارهایی که به علت ماهیت آن یا شرایطی که در آن انجام می شود برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوانان زیان آور است، حداقل سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود.(عبادی،۱۳۷۱)

از آنجا که قالی‌بافی، صنعتی خانگی است و اکثر کارگاه‌های قالی‌بافی در منازل ایجاد می‌گردند، در سال‌های اخیر و پس از انقلاب اسلامی، دستورالعمل کارگاه‌های ترویجی نمونه قالی‌بافی، به‌منظور تشویق کارفرمایان و روستاییان برای به‌کار نگرفتن کودکان و نوجوانان، به

کارگماردن کودکان را منع می‌کند. در تعریف کارگاه‌های نمونه ترویجی چنین آمده است: «کارگاه‌های ترویجی قالی‌بافی به‌مکانی اطلاق می‌شود که فضای فیزیکی آن از جوانب مختلف واجد معیارهای استاندارد بوده و همچنین وسایل و تجهیزات قالی‌بافی نیز دارای شرایط استاندارد باشد». دختران و پسران خردسال قالی‌باف در شرایط سختی کار می‌کنند، این دستورالعمل اشاره به اهمیت به‌کار نگرفتن قالی باف زیر ۱۵ سال نیز دارد و این مهم را یکی از شرایط مهم در انتخاب کارگاه به‌عنوان کارگاه ترویجی نمونه قالی‌بافی می‌داند. به‌همین دلیل است که وقتی ویژگی‌های افراد شاغل در کارگاه را برمی‌شمارد در بند ۱۳ اعلام می‌دارد:«افراد شاغل در کارگاه زیر ۱۵ سال سن نداشته باشند».

۲ - ۲) وضعیت کارکودکان و نوجوانان در ایران

در کشور ما نیز همانند سایر کشورهای منطقه، کودکان و نوجوانان نقش فعالی در تولید اقتصادی و درآمد ملی دارند. این امر در مناطق روستایی که خانواده به عنوان یک واحد تولیدی محسوب می‌شود ملموس تر است. در این مناطق، کودکان از سال‌های اولیه زندگی خود به کمک و یاری پدر و مادر می‌شتابند. بررسی‌های جهانی بیانگر آن است که سهم فعالیت‌های دختران بیش از پسران است. برخلاف عقیده رایج، کار سنگین کشاورزی را پسران انجام نمی‌دهند، بلکه بیش از ۷۵درصد کارهای زراعی و دامی را زنان و دختران به عهده دارند.(اشرف‌زاده)

درخصوص میزان فعالیت روزانه دختران روستایی در کشور، رقم قابل استنادی در دست نیست، تنها می‌توان اظهار داشت که ساعات کار زنان در کشور ۲۵درصد بیش از مردان است. تحقیقات انجام شده در ۲۰ استان کشور درخصوص سهم زنان در تولیدات مختلف روستایی، بیانگر مشارکت بالای این قشر در فعالیت‌های مذکور است. از آنجا که فعالیت‌های مختلف در روستا در واحد کار خانوادگی انجام می‌گیرد پس می‌توان ادعا کرد که زنان و دختران روستایی، این فعالیت‌ها را به‌کمک یکدیگر به انجام می‌رسانند.

نوجوانان و جوانان، به‌ویژه دختران در روستاها، سهم اساسی در تولید خانگی دارند. دختران

در دوره جوانی در قالی‌بافی، جاجیم بافی و دیگر صنایع دستی و در پاره‌ای از مناطق در کار دشوار رنگرزی دخالت مستقیم دارند. پسران نیز در تولید کشاورزی و به ویژه دامداری، چرای دام‌ها و حراست از آنها مسئولیت مستقیم دارند. چنان‌که به جرات می‌توان گفت که خانواده روستایی بدون فرزند نمی تواند گذران زندگی کند.

خانواده به‌عنوان یکی از نهادهای اصلی اجتماعی در رابطه با وظایف متعددی که در جامعه روستایی دارد از اهمیت زیادی برخوردار است و به‌عنوان یک واحد بهره‌برداری محسوب می شود، لذا در خانواده روستایی نوعی ادغام یا پیوستگی کامل بین گروه‌های خانوادگی و سازمان کار و حرفه وجود دارد که باعث نوعی استقلال داخلی در زمینه اقتصادی و خانوادگی می شود. در این پیوستگی و تداخل جنبه‌های دوگانه در خانواده کشاورز کامل‌تر است، زیرا از طرفی، کشاورزی خصوصا وقتی دامداری مکمل آن شود باعث ایجاد کارهای متنوعی می شود که مشارکت زنان و حتی اطفال کم سن و سال را ایجاب می کند، و از سوی دیگر کشاورزی سنتی به دلیل بازدهی ضعیفی که دارد، کارهای جنبی فراوانی را ایجاب می کند که این خود موجب تقسیم کار بیشتر در درون گروه خانوادگی می شود. در این واحد تولیدی، با تقسیم کار میان اعضای خانواده، مراحل مختلف تولید کشاورزی انجام می شود و اساس زندگی اقتصادی در درون گروه‌های خانوادگی شکل می‌گیرد. این نکته یکی از مهم‌ترین متمایزه‌ها بین جوامع روستایی با سایر جوامع است. در جوامع صنعتی و شهری به‌دلیل جدایی بین فعالیت‌های اقتصادی و سایر فعالیت‌ها، معمولا کارهادر خارج از گروه خانوادگی انجام می گیرد و مواردی که کار در درون گروه خانوادگی صورت می گیرد، نادر است. در این مورد «هانری مندراس»، جامعه شناس فرانسوی، چنین می‌گوید: «اختلاط نقش‌ها به ویژه وقتی که بنگاه زراعی و خانواده کشاورز در هم ادغام شده باشند،دوچندان می‌شود، زیرا در چنین حالتی خانواده نه تنها در تصمیماتش باید به عوامل اقتصادی توجه نماید، بلکه بایستی به همان نسبت نیز عوامل خانوادگی را مراعات کند. پدر خانواده که رئیس بنگاه زراعی هم هست درعین‌حال برای فرزندش حکم وظیفه استادُ کارآموز را دارد. مادر خانواده نیز اغلب وظیفه حسابرسی بنگاه را به

عهده دارد. خلاصه اینکه در کار کشاورزی تفاوت محسوسی میان کار مولد اصلی و کارهای متفرقه منزل و اوقات فراغت وجود ندارد. در جوامع روستایی کشور ما به دلیل کوچک بودن بهره‌برداری‌ها (کمتر از ۳ هکتار)، روستاییان به منظور بالا بردن درآمد، ناگزیر به انجام فعالیت‌های متنوعی هستند که در این ارتباط به کار گیری نیروی کار خانوادگی ضروری و اساسی است. آمار موجود نشان می دهد که ۷۵درصد از تولیدات صنایع دستی کشور ما در انحصار زنان است. این تولیدات عموما در زمان اتمام یا کاهش فعالیت‌های زراعی در محیط خانه انجام می پذیرد. طبق نتایج آمارگیری در سال ۱۳۸۰، خانوارهای روستایی که به تولید قالی اشتغال داشته اند بالغ بر ۷۰۰۴۸۷۴ متر مربع قالی تولید کرده اند که ارزش آن ۱۸۶۹۱۹۲ میلیون ریال بوده است.۱۴این آمار همچنین نشان می‌دهد که تعداد ۸۶۱۲۲۹ خانوار با جمعیتی معادل ۵۴۱۴۷۱۰ نفر فعالیت قالی‌بافی داشته‌اند. شایان ذکر است که اکثریت این تعداد را زنان قالی باف تشکیل می‌دهند.لا زم به ذکر است که کاهش تعداد خانوارها با فعالیت قالی بافی در سال ۱۳۸۰ به دلیل تاثیر بازار جهانی و کاهش تقاضا برای فرش ایران است.

بر اساس آمارگیری ۱۳۷۵، از کل جمعیت کشور، ۴۹/۱ درصد را زنان تشکیل داده اند که زنان روستایی ۱۹درصد از جمعیت کشور را (نزدیک به یک پنجم جمعیت) را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به جوان بودن جمعیت کشور باید متذکر شد که از جمعیت ۱۱۴۲۱۳۲۱ نفری زنان روستایی تعداد ۴۸۸۵۶۵۴ نفر بین سنین ۵ تا ۱۹ سال‌اند. اگر سن آغاز فعالیت را در مناطق روستایی ۱۰ سالگی فرض کنم (اگرچه در اغلب موارد سن شروع فعالیت اقتصادی در این مناطق کمتر از آن است) درصد بالایی از زنان و دختران روستایی از نظر اقتصادی فعال‌اند، گرچه به سبب نوع فعالیت و نگرش‌های خاص فرهنگی تعداد بسیار کمتری از آنها در آمار منعکس می‌گردد.

دختران، آسیب‌پذیرترین اعضای جامعه‌اند و اغلب از ارزش‌های اجتماعی پسران برخوردار نیستند. با وجودی که دختران روستایی از توان بالقوه بالایی برخوردارند و نقش‌های فراوانی را ایفا می‌کنند، نه تنها در آمارها لحاظ نشده‌اند بلکه فعالیت‌هایشان نیز در حسابرسی‌های خانواده

نادیده انگاشته می‌شود و به محدودیت مشارکت آنها در تصمیم گیری‌ها در سطح خانواده و اجتماع روستایی می انجامد. دختران روستایی در شمال، جنوب، غرب و شرق کشور به کارهای مختلفی؛ چون: کشاورزی، قالی‌بافی، زعفران کاری، دامداری و صنایع دستی به نحو شایسته ای به فعالیت تولیدی اشتغال دارند و درصد بالایی از تولید و درآمد سرانه روستاییان را فراهم می-کنند. این قشر که بدون آموزش‌های تخصصی و درآمدزا و دور از آموزش‌های رسمی، با وجود موانع تحصیلی به اشتغال می پردازند، هنر آفرینان روستاها هستند.

۳ - ۲) انواع کار دختربچه های روستایی

در مناطق روستایی کشور، دختر بچه ها به فعالیت‌های مختلفی می پردازند. این فعالیتها با توجه به موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی، متفاوت است. دختر بچه ها در برنج‌زارهای شمال به همراه مادرانشان به وجین و نشاء برنج می روند. این درحالی است که تا زانو در گل فرو رفته‌اند. آنها در جمع‌آوری برگ چای نیز نقش فعالی دارند. دختران در منطقه مازندران و گرگان در مزارع، پنبه‌چینی می‌کنند و یا در خراسان زعفران می‌کارند. آنها در روستاهای سیستان و بلوچستان با دست‌های ظریفشان، نقش‌ها و طرح‌های زیبای سوزندوزی را می‌آفرینند؛ در خوزستان نیز به سبد بافی مشغولند. آنان این فعالیت‌ها را از مادران خود می‌آموزند و دوشادوش مادران به تلاش می پردازند. کمک در انجام امور خانه و نگه داری از فرزندان کوچک‌تر خانواده، تهیه غذا و نظافت خانه و ... از دیگر اشتغالات این گروه است.

یکی دیگر از اشتغالات خانگی و درآمدزای دختر بچه ها در بسیاری از نقاط کشور، قالی‌بافی است. این هنر توسط اعضای مونث خانواده و یا در صورت فقدان وجود فرهنگ قالی‌بافی در خانواده ، ندرتا به وسیله استادکاران قالی باف به آنان آموخته می شود، و از آن پس است که قالی‌بافی یکی از ستون‌های زندگی دختران شده و بر بسیاری از جوانب زندگی دختر بچه‌ها سایه می‌افکند.

۳) قالی بافی

صنعت فرش از نظر میزان و ارزش تولید، میزان اشتغال و میزان درآمد و ارزی که برای کشور تحصیل می‌کند، پس از صنعت نفت بزرگ‌ترین و مهم‌ترین صنعت و فعالیت تولیدی در کشور است. در این رشته از فعالیت اقتصادی، صدها هزار نفر از مردم کشور، به خصوص زارعان و روستا نشینان به تهیه رنگ، خامه و سایر لوازم تولید و بالاخره بافت فرش اشتغال دارند. درآمد حاصله از بافت فرش، سهم قابل ملاحظه ای را در مجموع درآمد روستاییان کشور دارد و نقش موثری را در بهبود زندگی و بالا بردن سطح درآمد آنان ایفا می‌کند. هیچ صنعتی در ایران نتوانسته است مانند صنعت قالی بافی،گروه کثیری را به کار مشغول کند. اهمیت مسئله به خصوص وقتی آشکار می شود که دریابیم ۹۰درصد صنعت فرش در روستا ها مستقر شده و برای به کارگرفتن نیروی مولد روستاییان در اوقات بیکاری و کم کاری، صنعت فعالی به شمار می رود.

کارگاه‌های قالی‌بافی در ایران را به طور کلی می توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱) کارگاه‌های بزرگ تجاری با تعداد زیادی دستگاه که در محل شهرها یا دهات متمرکزند

۲) دسته دیگر که در نقاط مختلف بعضی شهر ها و بیشتر در دهات پراکنده اند و صاحبان آنها پس از فراغت از کارهای اصلی خود (معمولا خانه داری و کشاورزی) به‌طور شخصی کار می کنند.

۴) عوامل تولید در صنعت قالی‌بافی

۱-۴) نیروی انسانی شاغل

در طی سال‌های ۱۳۰۰ به بعد تعداد قالی بافان رو به افزایش نهاد. از دلایل عمده این افزایش را می‌توان پررونق بودن بازار داخلی و خارجی فرش دستباف و بد بودن شراط کشاورزی و خشکسالی های متعدد دانست که کشاورز را ناگزیر به روی آوردن به منبع دیگری از درآمد می‌کرد. در حال حاضر تعداد ۸۰۵۸۱۷ دار، شناسایی شده در کشور موجود است که بیش از یک میلیون نفر بافنده، مشغول کار روی آنها می باشند.(کاویانی)

۲-۴)توزیع سنی

از نظر توزیع سنی تا سال ۱۳۴۴، ۵۹درصد قالی‌بافان را گروه سنی ۱۹-۵ سال تشکیل می‌دادند. پس از آن، قانون کار به کار گرفتن کودکان کمتر از ۱۳ سال را منع کرد. با توجه به پراکندگی مراکز قالی‌بافی و فقدان نظارت بر آنها می توان تصور نمود که تعداد معدودی از کارفرمایان در محدوده شهرها از این قانون تبعیت می کردند. در سمینار بررسی مسائل تولید و صدور فرش ایران که در خرداد ماه ۱۳۶۱ برگزار شد به قالی‌بافی در اطراف یزد اشاره و توضیح داده شد که کودکان ۵ ساله در این منطقه به این فعالیت مشغولند. در تحقیقی مربوط به مناطق قالی‌بافی اطراف کاشان نیز سن کارآموزان اولیه قالی بین ۵ تا ۷ سال و متوسط سن قالی‌بافان ۱۹ سال و حداکثر آن ۴۵ سال ذکر شده است.

۳-۴) شرایط و قوانین کار

در دهه گذشته در بعضی از کارگاه‌های بزرگ و متمرکز قالی‌بافی که وزارت کار امکان نظارت بر آنها را داشت، گام‌هایی در جهت بهبود محیط کار برداشته شد، اما از آنجا که مسئله بهداشتی کردن کارگاه‌های متمرکز همچون اجرای قانون بیمه‌های اجتماعی برای قالی بافان، عاملی در جهت افزایش هزینه تولید بود، بسیاری از کارفرمایان کارگاه‌ها به‌منظور کاهش هزینه‌ها و افزایش سود و شاید هم جلوگیری از ضرر، مجددا به جای کار در کارگاه‌های متمرکز، به سفارش‌های تک‌بافی روی آوردند. دو دلیل عمده این تغییر عبارتند از:

۱) اغلب بافندگان، خانگی و زن هستند و به دستمزد کمتری قانع‌اند

۲) کارفرمایان کارگاه‌های بزرگ مجبور به رعایت قوانین حداقل سن و دستمزد و پرداخت بیمه های اجتماعی هستند، در صورتی که اجرای این قوانین در کارگاه‌های خانگی لزومی ندارد و اغلب نیز از نیروی کار کودکان خانواده استفاده می‌شود.

۴-۴)دستمزدها

معمولا دستمزدهای قالی‌بافی برَ حسب رج یا تعداد گره‌ای محاسبه می شود که قالی‌باف در روز می زند. تعداد گره‌ای که یک قالی باف می‌تواند در روز بزند، بسته به پیچیدگی نقشه، تعداد رنگ، رج‌شمار فرش و مهارت قالی‌باف، معمولا بین ۵ تا ۱۰ هزار گره در روز متغیر است. طبق ارقام موجود مربوط به هزینه دستمزدها و مواد اولیه فرش در سال‌های مختلف، تقریبا همیشه بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد کل هزینه تولید را دستمزدها تشکیل داده اند، اگرچه معمولا قالی بافان جزء پایین ترین طبقات درآمدی اجتماع قرار داشته اند. فشار فقر در روستاها اغلب قالی‌بافان را به قبول کمترین مزدها واداشته است. مطالعه ای که توسط دانشگاه تهران در مناطق قالی‌بافی اطراف کرمان در سال ۱۳۴۶ انجام شده، از اجاره دادن سالیانه کودکان سیه روز قالی باف در مقابل مبالغی بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ تومان حکایت دارد.

باید توجه داشت ارقامی که به‌عنوان دستمزد قالی بافان ذکر گردیده براساس اطلاعات در دسترس محاسبه شده و می تواند برای بسیاری از نقاط دور افتاده قالی‌بافی صادق نباشد، چنان که گزارشی در مورد اوضاع قالی و قالی بافان در ترکمن صحرا اشاره به دستمزد روزانه ۳۰ تا ۴۰ تومان در مقابل ۱۶ ساعت کار قالی‌بافی دارد.

۵) قالی بافی و ترک تحصیل دختران روستایی

ظاهرا یکی از علل ترک تحصیل دختران روستایی در دوره ابتدایی، اشتغال آنها به صنعت قالی بافی است. تحقیقی در خصوص قالی‌بافی دختران در منطقه گرگان و گنبد نشان می‌هد که بین ترک تحصیل بافندگان و تعداد آنها، رابطه مثبت و قوی وجود دارد. بدین گونه که هر چه تعداد بافندگان دختر افزایش یافته، تعداد ترک تحصیلشان نیز بیشتر شده است. نکته قابل توجه این است که گرچه قالی‌بافی به عنوان یک فعالیت مهم دختران روستایی نقش مهمی در درآمد خانوار روستایی دارد، اما عامل مهمی نیز در ترک تحصیل دختران جوان روستا بوده است که نباید از نظرها پنهان بماند. (کاویانی)

۶) عوامل موثر بر کار دختر بچه ها

عوامل مختلفی بر کار دختر بچه ها و استفاده از نیروی آنها در کارهای مختلف تاثیر می‌گذارند. به طور کلی این عوامل را می توان به ۳ گروه عمده تقسیم کرد:

۱) عوامل اقتصادی

۲) عوامل فرهنگی

۳) تعریف کار و مفهوم آن در جوامع مختلف و غیر قابل تشخیص و غیر قابل مشاهده بودن آنها (invisibility).

هر کدام از این عوامل را نیز می توان به زیر گروه‌هایی تقسیم کرد؛ برای مثال، عوامل اقتصادی را به فقر خانوادگی، هزینه بالای آموزش دختران و نیروی کار ارزان آنها در خانواده تقسیم نمود وعوامل فرهنگی را به نگرش‌های حاکم بر خانواده و جامعه نسبت به دختران و زنان و موقعیت اجتماعی پایین‌تر آنان.

بسیاری از مردم، کارهای خانگی را هر چند متنوع و زمان بر باشند، «کار» نمی‌دانند. این تعریف و چنین طرز نگرشی سبب می‌گردد که نه تنها فعالیت‌های دختران در خانواده و کارهای خانگی آنها از نظر آمارها پنهان بماند، بلکه این فعالیت‌ها حتی از نظر افراد خانواده نیز غیرقابل بررسی و ارج نهادن، تفسیر گردد. بنابراین کارخانگی دختران روستایی چه در خانه، چه در مزرعه وچه در پشت دار قالی «پنهان» (invisible) باقی می ماند.

گاهی اوقات از بعضی واقعیت‌ها نمی‌توان چشم پوشید؛ برای مثال، خود مادران یا مادر شوهرها حس خود کم بینی و قبول وضعیت بد را به دختران منتقل می‌کنند و نمی‌گذارند شرایط تغییر کند و وضعیت بهتری حاکم شود. بسیاری از زنان از داشتن دختر هراس داشتند و به بچه‌دار شدن آنقدر ادامه می‌دادند تا بالاخره یک فرزند پسر به دنیا بیاورند. حال آنکه بقای خانواده به اولاد مونث، چه دختر و چه عروس، بستگی دارد. تجربه نیز ثابت می‌کند که بیشتر مردم کارهای خانگی را «کار» نمی‌دانند، به دلیل اینکه برای کارهای عادی و روزمره خانواده پولی پرداخت نمی‌شود و در سرشماری‌ها و آمارهای ملی نیز محاسبه نمی‌گردند و ارزش اقتصادی

رسمی ندارند. اما حقیقت این است که این کارها بسیار با ارزش‌اند. طبق گفته یک محقق کنیایی به نام «شیلا پروین واماهبو»: «اگر دخترها کار کنند، پدر و مادرها وقت آزاد تری خواهند داشت تا بیشتر کار کنند و درآمد آن را برای تحصیل و تربیت پسران خرج کنند. اگر دخترها به مدرسه بروند، مجبورند بزرگسالان را استخدام کنند و دستمزد بیشتری بپردازند. تنها با شناسایی ارزش اجتماعی و اقتصادی کارهای خانه می توان ازدواج دختران را در سنین پایین از میان برداشت و بار مسئولیت خانواده را به طور مساوی تقسیم نمود و حق پیشرفت و ترقی را برای دختران نیز مسلم و حتمی کرد. وقتی ارزش این کارها به رسمیت شناخته شود، دخترها با ارزش تر خواهند شد و پسرها نیز بیشتر کار خواهند کرد».(اشرف زاده)

در توضیح عوامل اقتصادی باید گفت که به کار گرفتن کودکان، ارزان‌تر و آسان‌تر از بزرگسالان است و سایر نیروهای کار نیز ممکن است به رغم حضور دائمی کودکان کمیاب باشند، لذا کارفرمایان ترجیح می‌دهند کودکان را استخدام کنند. از دیگر عواملی که بر تعداد کودکان کارگر اثر می‌گذارد هزینه بالای دستیابی به تحصیلات است. بسیاری از کودکان برای یافتن هزینه تحصیل خود کار می‌کنند و گاه بسیاری از کودکان ترک تحصیل می‌کنند، زیرا مجبورند کار کنند و گاه نیز نظام مدارس برای کار کودکان جذاب نیست و آنها را به بازار کار می‌کشاند. علت اصلی کار کردن کودکان، فقر است و از آنجا که نمی توان یک شبه فقر را ریشه کن نمود باید به فکر تسهیل قوانین کار برای این گروه از کودکان کارگر بود و شرایط ایمنی، بهداشت، تحصیلات و... را برای کودکان مشغول به کار فراهم کرد.

۷) نتیجه گیری

بهره‌کشی از دختر بچه‌ها در سراسر جهان به چشم می‌خورد و آمار دقیقی از مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی وجود ندارد. آمارهای پراکنده از کار دختران ۱۴-۱۰ سال موجود است اما در مورد دختران در گروه‌های ۱۰-۵ سال آماری یافت نمی‌شود. در کشورهای جهان سوم به علت اینکه درصد بالایی از جمعیت این کشورها در زیر خط فقر و یا بسیار نزدیک به آن زندگی

می‌کنند، کار کودکان جزء لاینفک اقتصاد خانوار محسوب می‌شود و خانواده برای ادامه بقای خود مجبور است تمام اعضای خود را به کار گیرد.

در ایران نیز دختر بچه ها و به‌ویژه آنان که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، به عنوان نیروی فعال اقتصادی محسوب می‌شوند. آنان نیز مانند مادرانشان در انجام کارهای خانه و نیز کار مزرعه و صنعت دستی خانگی شرکت دارند. فقر روستایی از جمله عواملی است که باعث بهره کشی بیشتر از این قشر آسیب پذیر می‌گردد و خانواده ترجیح می‌دهد به جای فرستادن دختران به مدرسه، از نیروی کار آنها به‌عنوان کارکن خانوادگی بدون مزد استفاده کند. این نکته برای خانواده های روستایی (به ویژه برای آنان که متعلق به طبقه دهقانان کم زمین هستند و به نیروی کار بدون مزد خانوادگی محتاج و وابسته‌اند)، حیاتی است.

نگرش‌های خاص فرهنگی و موقعیت پایین زنان و دختران در این مناطق، سبب استفاده نکردن از امکانات آموزشی و بهداشتی موجود برای این گروه شده است. کار دختران در خانه سبب می شود که پدران و مادران زمان بیشتری را صرف مشاغل درآمدزا کنند و درآمد حاصل از آن را صرف تحصیل پسر بچه‌ها نمایند.

قالی‌بافی به‌عنوان یک صنعت خانگی در قرن اخیر گسترش فراوانی داشته و به ویژه در مناطق روستایی بسیاری از خانوارها این صنعت را به عنوان درآمد جانبی محسوب می کنند. طبیعت و ویژگی‌های این صنعت سبب گردیده که این فعالیت ،کاری «زنانه» محسوب شود و دختران نیز این صنعت خانگی را در سال‌های اولیه عمرشان از مادرانشان بیاموزند. شرایط فیزیکی و نامطلوب کارگاه‌های قالی‌بافی، سلامت این آینده سازان کشور را تحت تاثیر قرار می دهد. مطالعات نشان داده که رابطه مستقیمی بین قالی‌بافی و درصد بالای ترک تحصیل دختران وجود دارد. در برخی از موارد و در روستاهای دور افتاده، فقر روستایی، خانواده را تحت شرایطی قرار می‌دهد که مجبور به فروش نیروی کار دختران قالی‌باف به قیمت‌های نازلی می‌شوند.

از آنجا که خانواده در روستا به عنوان یک واحد تولیدی ایفای نقش می کند و کار در داخل خانه و یا مزرعه انجام می‌گیرد، استفاده نکردن از نیروی کار اعضای خانواده ناممکن است،

بنابراین باید تمهیداتی اندیشید که با در نظر گرفتن این ویژگی به ارتقای توان دختران روستایی و بهبود وضعیت بهداشتی آنان بینجامد. بنابراین عوامل استفاده از کار دختر بچه ها را به طور کلی می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

۱) عوامل فرهنگی و نگرش های خاص اجتماعی

۲) عوامل اقتصادی و فقر روستایی

۳) پنهان بودن فعالیت‌های خانگی دختر بچه ها.

۸) پیشنهادها

با عنایت بر آنچه مطرح شد می‌توان پیشنهادها زیر را مطرح کرد:

- دختران روستایی سرمایه های ملی هر مملکتی هستند، برای شکوفایی کامل استعدادهای آنها بایستی برابری دسترسی دختران و پسران به امکانات هدف باشد. امکانات مساوی تعلیم وتربیت، تغذیه، رشد و تکامل این فرصت را به این نیمه فعال جامعه روستایی می دهد تا در آینده زنان قوی، مفید، آگاه و سالم باشند.

- به منظور شناسایی و برنامه ریزی جهت کار دختران باید ابتدا آمار دقیقی از میزان کار کودکان و به ویژه دختران داشت. جمع آوری اطلاعات در خصوص کار کودکان و شناسایی مشاغلی که به آنها اشتغال دارند به برنامه ریزی صحیح و کاربردی جهت کاهش یا حذف کار کودکان می انجامد.

- تدوین برنامه عمل ملی علیه کار کودکان، برای جهت بخشیدن و فعال کردن تمامی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و نیز اجرای بهینه مبارزه علیه کار کودکان به عنوان یک معضل اجتماعی، ضروری است که سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندرکار، به تدوین برنامه عمل ملی علیه کار کودکان همت گمارند.

- بسیج عمومی برای مبارزه علیه کار کودکان توسط رسانه‌های گروهی، دانشگاه‌ها، نمایندگان مجلس، معلمان و اساتید دانشگاه‌ها.

- قابل رویت درآوردن سطح پنهان و غیر قابل رویت کار کودکان. در این خصوص تغییر و اصلاح تعریف کار، تغییر نگرش‌های فرهنگی در جامعه و به ویژه جوامع روستایی مورد تاکید است.

- تشکیل گروه‌های غیردولتی برای مبارزه با کار کودکان.

- تلاش در جهت بهبود وضعیت اقتصادی خانوار روستایی با ارائه آموزش‌ها و خدمات ویژه ترویجی و فنی مهارتی.

- کاهش ساعت کار کودکانی که مجبور به کار هستند و محول کردن کارهای سبک‌تر و مناسب با شرایط جسمی و روانی کودک به آنان.

- به‌کارگیری سیستم‌های ویژه آموزشی برای کودکان در مناطق روستایی و حذف اجبار حضور مرتب در کلاس‌های درس، برای کودکان کارگر، جهت استفاده از حداقل امکانات آموزشی موجود.

- ارائه آموزش‌های ترویجی و فنی-حرفه ای به روستازادگان در سطوح راهنمایی در مدارس به منظور همراه کردن علم و عمل و امکان تجربه عملی و کاربردی آموخته‌ها در زندگی روزانه روستا.

- توجه به مسائل و مشکلات دختران روستایی به ویژه قالی‌بافان و ارائه آموزش‌هایی جهت کاهش صدمات فیزیکی و جسمی آنان در هنگام بافت قالی.

نهایتا باید افزود که سرمایه‌گذاری بر روی دختران بازده مثبت دارد. اگر در برنامه‌های مملکتی به گونه‌ای به دختر بچه ها توجه شود که از بهداشت و تغذیه خوب برخوردار باشند، به نحو مناسبی آموزش ببینند، دیرتر ازدواج کنند و دیرتر و کمتر باردار شوند، حتما بازده اقتصادی بالاتر و موقعیت اجتماعی بهتر و بالاتری به دست خواهند آورد.

منابع References

۱- عبادی، شیرین. **حقوق کودک نگاهی به مسایل حقوقی کودکان در ایران**. جلد اول، روشنگران، ۱۳۷۱.

۲ - اشرف زاده، شهره. **تلاش پنهان دختران روستایی**. صالحین روستا، وزارت جهاد سازندگی، سال چهاردهم، شماره ۱۱۸.

۳- نیکنامی، مهرداد. **دستورالعمل کارگاه‌های ترویجی نمونه قالی‌بافی**. دفتر ترویج، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، وزارت جهاد، ۱۳۷۶،

۴- کاویانی، زهرا . خسروی، فاطمه. **نقش فعالیت‌های تولیدی دختران جوان روستایی بر درآمد خانوار**. نخستین همایش توانا‌سازی دختران روستایی در مشارکتهای اجتماعی، وزارت جهاد سازندگی. یونیسف، سنندج.

۵ - سرحدی، فریده و دیگران. **نقش اجتماعی- اقتصادی زنان روستایی در تولید**. مرکز تحقیقات روستایی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی، ۱۳۰، تهران.

۶- خسروی، خسرو. **جامعه شناسی ده در ایران**. مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲، تهران.

۷ - وثوقی، منصور. **جامعه شناسی روستایی**. موسسه کیهان، ۱۳۷۵، تهران.

۸ - **سالنامه آماری کشور ۱۳۸۰**. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.

۹- **سازمان آمار**، جدول ۲۲-۷ قالی و قالیچه بافته شده توسط خانوارهای دارای فعالیت صنعتی.

۱۰ - **سالنامه آماری کشور ۱۳۸۰**، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. سازمان آمار، جدول ۲۰-۷ تعداد، جمعیت و شاغلان فعالیت صنعتی بر حسب نوع فعالیت.

۱۱- **سالنامه آماری کشور ۱۳۸۰**، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. سازمان آمار، جدول ۴-۲ جمعیت بر حسب جنس، گروه های سنی، ساکن و غیر ساکن، آبان ۱۳۷۵.

۱۲- **سپاهیان انقلاب و صنعت فرش**، وزارت کار و امور اجتماعی،۱۳۴۳، تهران .

۱۳- **بازار جهانی فرش**، از سری انتشارات بازار جهانی کالاها، شماره ۲، وزارت بازرگانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۶۴.

۱۴ - **صنعت فرش در ایران منطقه کرمان**. دانشگاه تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران، ۱۳۴۶.

۱۵- **دختر بچه‌ها سرمایه‌گذاری برای آینده**. صندوق کودکان ملل متحد، تهران ۱۳۷۱.

16- **Report on The World Social Situation** .1997; UN, New York, 1997.

17- **Deffending Human Rights World Wide**. Human Rights Watch, hrw.org. 2003.

18- **The Sialkot Story, World of Work**. No.19, 1997.

19- **Child Labour Today: Facts and Figures, World of Work.** No.16. 1996.